

A Model for Empowering Child Wives: A Grounded Theory Study

Zahra Mortezaazadeh ¹ , Masoomeh Azmoodeh ^{2*} , Touraj Hashemi Nosratabad ³ ,
Sholeh Livarjani ² 

1) PhD Student in Psychology, Islamic Azad University, Tabriz, Iran

2) Assistant Professor, Department of Psychology, Islamic Azad University, Tabriz, Iran

3) Professor, Department of Psychology, University of Tabriz, Iran

Received: 01/02/2023 Revised: 05/10/2023 Approved: 08/27/2023

Abstract

Background: Despite different views on the appropriate age for marriage, the tendency for child marriage is common in some parts of the country, and it is increasing.

Aim: The purpose of this study is to design a model for empowerment of child wives based on grounded theory.

Methods: The research design was qualitative research with grounded theory approach. The sample included 18 child wives in Shabestar, selected via purposive and criterion sampling. The data collection instruments were semi-structured interviews and library resources.

Results: The categories were revealed in the form of the six dimensions of a paradigmatic model, with interrelations between them. The dimensions were causal conditions (theoretical knowledge; behavior of parents, family, and society), central category (empowerment of child wives), strategies (economic strategies, development of social skills, development of scientific and counselling skills, and religious strategies), contextual conditions (demographic and geographical conditions, socio-economic conditions, cultural conditions, lack of maturity, lack of independence), intervening conditions (past experience, desire for the past, dominant culture, and conditions of the wife) and consequences (physical, family, social, mental, psychological, and personal consequences); furthermore, 61 sub-categories were also identified.

Conclusions: Empowering child wives and teaching them necessary skills can solve many of the basic challenges they face and increase the marital satisfaction in child marriage.

Keywords: *child marriage, empowerment, grounded theory, marriage, child*

* **Corresponding:** Masoomeh Azmoodeh, mas_azemod@yahoo.com

- **Article type:** research article

- **Article APA Reference**

Mortezaazadeh, Z., Azmoodeh, M., Hashemi Nosratabad, T., & Livarjani, Sh. (2023). A model for empowering child wives: A grounded theory study. *Qualitative Research in Behavioural Sciences*, 2(1), 1-12.
<https://doi.org/10.22077/qrebs.2024.7111.1026>

الگوی توانمندسازی کودک همسران: مطالعه‌ای به روش بنیادبخشی نظریه

زهرا مرتضی‌زاده^۱، معصومه آزموده^{۲*}، تورج هاشمی نصرت‌آباد^۳، شعله لیوارجانی^۲

(۱) دانشجوی دکتری روان‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی تبریز

(۲) استادیار گروه روان‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی تبریز

(۳) استاد گروه روان‌شناسی دانشگاه تبریز

دریافت: ۱۴۰۱/۱۰/۱۳ تجدیدنظر: ۱۴۰۲/۰۲/۲۰ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۶/۰۵

چکیده

زمینه: علیرغم تفاوت‌های دیدگاهی در خصوص سن مناسب برای ازدواج، گرایش به کودک همسری در برخی از مناطق کشور شایع بوده و در حال افزایش است.

هدف: پژوهش حاضر با هدف طراحی الگوی توانمندسازی کودک همسری بر اساس روش بنیادبخشی نظریه انجام شده است.

روش: پژوهش حاضر به روش بنیادبخشی نظریه انجام شده است. نمونه پژوهش، شامل ۱۸ نفر از کودک همسران شهرستان شبستر بود که با استفاده از روش نمونه‌گیری هدفمند و ملاک محور انتخاب شدند. ابزار جمع‌آوری داده‌ها، مصاحبه‌های نیمه ساختار یافته بوده و از منابع کتابخانه‌ای و فیش‌برداری نیز جهت گردآوری اطلاعات استفاده شد.

یافته‌ها: پس از تحلیل داده‌های پژوهش، نهایتاً مقوله‌های آشکار شده در قالب ابعاد ۶ گانه مدل پارادایمی، با روابطی که بین آن‌ها وجود دارد به شرح ذیل استخراج گردید؛ شرایط علی (دانش نظری، ویژگی‌های رفتاری والدین، خانواده، اجتماع)، مقوله محوری (توانمندسازی کودک همسران)، راهبردها (راهبردهای اقتصادی، توسعه مهارت‌های اجتماعی، توسعه مهارت‌های علمی و مشاوره‌ای، راهبردهای دینی)، شرایط زمینه‌ای (ویژگی‌های جمعیت‌شناختی و جغرافیایی، شرایط اقتصادی و اجتماعی، شرایط فرهنگی، عدم بلوغ، عدم استقلال)، شرایط مداخله‌گر (تجربیات قبلی، تمایل به گذشته، فرهنگ حاکم، شرایط موجود همسر) و پیامد (پیامدهای جسمی، پیامدهای خانوادگی و اجتماعی، پیامدهای روحی و روان‌شناختی، پیامدهای فردی) و همچنین ۶۱ مقوله فرعی نیز کشف شد.

نتیجه‌گیری: توانمندسازی کودک همسران و آموزش مهارت‌های لازم برای آنها، می‌تواند بسیاری از چالش‌های اساسی که کودک همسران با آن مواجه هستند را برطرف کرده و رضایت زناشویی کودک همسران را افزایش دهد.

کلید واژه‌ها: کودک همسری، توانمندسازی، بنیادبخشی نظریه، داده بنیاد، ازدواج، کودک

* نویسنده مسئول مکاتبه: معصومه آزموده، mas_azemod@yahoo.com

– نوع مقاله: پژوهشی

– ارجاع APA مقاله

مرتضی‌زاده، زهرا؛ آزموده، معصومه؛ هاشمی نصرت‌آباد، تورج و لیوارجانی، شعله (۱۴۰۲). الگوی توانمندسازی کودک همسران: مطالعه‌ای به روش بنیادبخشی نظریه. پژوهش‌های کیفی در علوم رفتاری، ۲(۱)، ۱۳-۱. <https://doi.org/10.22077/qrebs.2024.7111.1026>

مرتضی‌زاده، زهرا، آزموده، م.، هاشمی نصرت‌آباد، ت. و لیوارجانی، ش. (۱۴۰۲). الگوی توانمندسازی کودک همسران: مطالعه‌ای به روش بنیادبخشی نظریه. پژوهش‌های کیفی در علوم رفتاری، ۲(۱)، ۱۳-۱. <https://doi.org/10.22077/qrebs.2024.7111.1026>

مقدمه

خانواده مهمترین واحد اجتماعی هر جامعه است که با بستن پیمان مقدس زناشویی بین زن و مرد به وجود می‌آید. علیرغم وجود گرایش‌های فردگرایانه در انسان، جمع‌گرایی و گرایش به اجتماع، گرایشی قوی‌تر در انسان است و انسان‌ها با فعالیت‌هایی نظیر تدوین قوانین مشترک، تشکیل اجتماعات و ازدواج به تقویت این گرایش اقدام می‌کند (Zahl-Olsen, 2023). با وجود اینکه ازدواج یک عمل ارادی مبتنی بر علایق طرفین است و مبنایی تاریخی در تمامی ادیان آسمانی دارد، کیفیت ازدواج، نحوه ازدواج، دوام آن و رضایت از آن، با تغییر جوامع و نگرش‌های فلسفی حاکم بر آن ارتباطی تنگاتنگ دارد (Cohen & Strong, 2020). از طرف دیگر ازدواج اجباری، ازدواجی است که بدون رضایت آزادانه از طرف یکی از زوجین یا هردو آنها صورت می‌گیرد و با فشار جسمی و عاطفی همراه است. ازدواج زود هنگام با ازدواج اجباری مرتبط است، زیرا افراد زیر سن قانونی هستند و قادر به دادن رضایت آگاهانه نیستند (Clark, 2004).

از طرف دیگر، یکی از مسائلی که جامعه ما با آن درگیر است، مسئله کودک‌همسری است. ازدواج کودکان یا کودک‌همسری، نوعی ازدواج رسمی یا غیررسمی است که در آن فرد پیش از رسیدن به ۱۸ سالگی وارد پیمان زناشویی می‌شود. موافقان و مخالفان ازدواج زود هنگام و دیر هنگام هر کدام ایده و دیدگاه‌های خاص خود را در این زمینه داشته و در خصوص سن مناسب ازدواج توافق نظر وجود ندارد (Imanzadeh & Alipor, 2016)؛ لذا یکی از موضوعاتی که در باب ازدواج، چالش برانگیز بوده و نیازمند همفکری و بحث حوزه‌های علمی و نهادهای متفاوت مرتبط با این امر است، موضوع سن ازدواج است که دارای ابعاد حقوقی، روانی، اخلاقی، اجتماعی و آموزشی است (Takeshita & Freedman, 1969).

در تعیین سن ازدواج، دو دیدگاه اصلی دینی و روان‌شناختی تناقضات بیشتری را از خود نشان می‌دهند. روانشناسان با طرح مباحثی هم‌چون فقدان مهارت‌های اجتماعی، تفاوت شرایط جغرافیایی و محیطی در رسیدن به بلوغ و عدم دستیابی افراد به آموزش کافی و مهارت‌های تحصیلی، با ازدواج زود هنگام مخالفند (Ahmadi & Rezaei, 2014). موافقین ازدواج زود هنگام و کودک‌همسری هم با تاکید بر مسائلی نظیر لزوم کنترل و هدایت صحیح و به‌موقع غرایز جنسی، جلوگیری از اشاعه فحشا در جامعه و استناد به آیات و روایات متعدد از ائمه و تبعیت از سیره معصومین، بر ازدواج زود هنگام تاکید دارند. ازدواج زود هنگام نوعی خشونت و تعارض با حقوق بشر است؛ زیرا اغلب، ازدواج زود هنگام یک ازدواج اجباری است که معمولاً بدون رضایت طرفین، صورت می‌گیرد. طبق مفاد کنوانسیون حقوق کودک، کودک به فردی اطلاق می‌شود که بین سن تولد تا ۱۸ سال قرار داشته باشد، اما در برخی کشورها، این سن، بسته به قوانین خاص آن کشور متفاوت است. صندوق جمعیت سازمان ملل متحد، ازدواج کودکان را هر نوع ازدواج و پیمان زناشویی زیر ۱۸ سال قبل از آمادگی جسمانی و روانی دختر برای پذیرش مسئولیت‌های ازدواج و فرزندآوری تعریف می‌کند. سازمان بهداشت جهانی کودکی را تا ۱۵ سالگی تعریف کرده است (Ahmadi & Rezaei, 2014).

بررسی مسائل و ابعاد مختلف ازدواج کودک همسری نشان می‌دهد که این پدیده، علیرغم برخورداری از ویژگی‌های مثبت، از پیامدهای سوء نیز برخوردار است. پیامدهای ازدواج کودک همسری، فقط پیامدهای فردی نیست بلکه تمامی ابعاد انسانی را شامل می‌شود (Scott et al., 2021). به اعتقاد اکثر حقوق‌دانان، ازدواج زود هنگام از منظر حقوقی تجاوز به حقوق انسانی است (Bunting, 2005). از منظر آموزشی، ازدواج زود هنگام مانعی برای دستیابی به تحصیلات و آموزش بهتر و کامل‌تر می‌باشد (Nishat et al., 2023). از منظر روان‌شناختی نیز مانعی برای کسب مهارت‌های شهروندی و اجتماعی تلقی می‌شود (UNICEF, 2005). ازدواج زود هنگام می‌تواند در افزایش فشارهای روانی و اجتماعی روی نوجوانان، افزایش استرس و خشونت جنسی نقش مهمی ایفا کند (Gage, 2005). خودکشی و فرار از خانه (Vikram, 2021)، فحشا (Imanzadeh & Alipor, 2016) و افزایش فرزندان طلاق در جامعه (Rahayu & Wahyun, 2020) از آسیب‌های ازدواج کودکان به شمار می‌رود. کودک‌همسری خطراتی مانند افزایش خطر سقط جنین، زایمان غیرطبیعی و خونریزی پس از زایمان را می‌تواند به همراه داشته باشد (Chauhan & Sekher, 2023).

پژوهش‌های انجام گرفته هم نشان می‌دهد، کودک‌همسری دغدغه محققان و اندیشمندان بوده است. Ernawati et al. (2023) در پژوهش خود در خصوص عوامل تاثیرگذار بر ازدواج زود هنگام و تاثیر آن بر روان زوجین در مناطق روستایی به این نتیجه رسیده‌اند، زنانی که زود ازدواج می‌کنند معمولاً به دبیرستان نمی‌روند و از احساس اضطراب و تنهایی رنج می‌برند. Susilawati & Yuliwati (2023) بر این امر اشاره دارند که کودک همسری پیامدهای منفی جسمی، علمی، عاطفی و اجتماعی دارد. همچنین ازدواج در سنین پایین بر انصراف از تحصیل موثر است. پژوهش Rahayu & Wahyun (2020) نشان می‌دهد، ساختار فرهنگی جامعه و سنت‌های فرهنگی و شرایط اقتصادی یک جامعه می‌تواند بر کیفیت زندگی کودک همسران اثرگذار باشد. کودک همسرانی که از دوره کودک همسری خود بهره کافی نبرده‌اند و مدام از محرومیت‌های دوره کودکی خود گلایه می‌کنند، کیفیت زندگی پائینی دارند. پژوهش Bhattarai et al. (2022) در

باب ازدواج زودهنگام زنان نپالی، کودک‌همسری و کودک‌شوهری را پدیده‌ای رایج در برخی از مناطق نپال عنوان می‌کنند. فقدان اطلاعاتی نظیر دانش جنسی، دانش هم‌زیستی با شوهر، دانش روابط اجتماعی در کودک‌همسران، معضلی اساسی است. شبکه‌های بهداشتی و ارگان‌های غیردولتی در بسط دانش‌های لازم در این زمینه، نقش اساسی می‌توانند ایفا کنند. اگرچه کودک‌همسری یک پدیده جهانی است ولی آمارها نشان می‌دهد این پدیده در ایران رواج بیشتری داشته و شیوع ازدواج زودهنگام در روستاهای ایران، ۱۹/۶ درصد و در مناطق شهری حدود ۱۳ درصد گزارش شده است. اما به نظر می‌رسد ارقام واقعی کودک‌همسری بیشتر از ارقام رسمی باشد؛ زیرا بسیاری از موارد ازدواج زودهنگام در خانواده‌ها انجام شده و به طور رسمی ثبت نمی‌شود (Imanzadeh & Alipor, 2016). در سطح جهانی نیز در سال ۲۰۲۲، ۸٪ افراد در سن ۱۵ سالگی و پایین‌تر و ۲۷٪ در سن ۱۸ سالگی ازدواج کرده‌اند و مابقی در سن بالای ۱۸ ازدواج کرده‌اند که از این تعداد، جنوب آسیا و آفریقای مرکزی و خاورمیانه به ترتیب نرخ زیادی در کودک‌همسری دارند. با این حال، تعداد ازدواج‌های کودک‌همسری در سطح جهانی رو به افزایش است (Anggreni et al., 2023).

بررسی پژوهش‌های فوق نشان می‌دهد که کودک‌همسری پدیده‌ای جهانی است و در ایران نیز این پدیده جریان دارد و عدم مدیریت این پدیده، ممکن است پیامدهای سوئی برای جامعه و افراد آن بدنبال داشته باشد. از طرف دیگر، بررسی پژوهش‌ها حاکی از این است که علیرغم اینکه پژوهش‌های به‌بخشی از متغیر پژوهش اشاره داشته‌اند، ولی پژوهشی که به تبیین تجربیات زیسته کودک‌همسران بپردازد و الگوی توانمندی را در آنان مورد بررسی قرار دهد، انجام نگرفته است. لذا به نظر می‌رسد که پدیده ازدواج زود هنگام با توجه به آمار رخداد آن و تاثیراتی که می‌تواند بر کودکان و نوجوانان، ساختار خانواده، طلاق و تربیت نسل آینده داشته باشد، نیازمند انجام پژوهش و بررسی‌های بیشتری است تا از این رهگذر عوامل بروز و پیامدهای آن به صورت شفاف مشخص شده و با اطلاع رسانی نتایج این پژوهش به مسئولان امر، اقدامات و راهکارهایی پیش‌بینی شود که حتی الامکان از پیامدهای منفی آن جلوگیری به عمل آید. به همین جهت و با توجه به دامنه اندک پژوهش‌هایی که در این زمینه صورت گرفته است، انجام پژوهشی در حوزه کودک‌همسری ضروری به نظر می‌رسد تا از رهگذر بررسی تجربه زیسته زنانی که در کودکی ازدواج کرده‌اند، بتوان به دلایل شکل‌گیری این نوع ازدواج‌ها و پیامدهای مثبت و منفی آن پی برد و برنامه‌های آموزشی و خدمات سلامت باروری را برای خانواده‌ها و جامعه فراهم کرد تا با توقف کودک‌همسری، بارداری زود هنگام کاهش یابد و کودکان قربانی این ازدواج‌ها نشوند. لذا پژوهش حاضر به دنبال طراحی الگوی مناسب در راستای توانمندسازی کودک‌همسران با استفاده از رویکرد بنیادبخشی نظریه است.

روش

پژوهش حاضر یک پژوهش در پارادایم کیفی از نوع بنیادبخشی نظریه است. جامعه پژوهش حاضر، کودک‌همسران شهرستان شبستر بوده‌اند که ۱۸ نفر از این کودکان با استفاده از نمونه‌گیری هدفمند و ملاک‌محور به‌عنوان گروه نمونه انتخاب شدند. نمونه پژوهش از بین ۴۹ کودک همسر مراجعه کننده به مرکز مشاوره امید ترنم شهرستان شبستر در سال ۱۴۰۱ انتخاب شد و تعداد نمونه در فرایند پژوهش مشخص شد و جریان مصاحبه تا اشیاع داده‌ها جریان داشت. اطلاعات گروه نمونه در جدول ۱ ارائه شده است.

در طراحی الگوی توانمندسازی کودک‌همسران از کتب، مقالات و سایت‌های اینترنتی استفاده شد. ابزار جمع‌آوری داده‌ها، مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته و مطالعه کتابخانه‌ای و فیش‌برداری از اطلاعات مورد نیاز بود. با توجه به اینکه مصاحبه از نوع نیمه‌ساختاریافته بود، انجام مصاحبه با طرح یک سوال گسترده و کلی درباره زندگی کودک‌همسری شروع شد و بعدا سوال‌هایی در مورد فقدان‌های زندگی کودک همسری، مهارت‌های لازم، پیامدهای این نوع زندگی و راهکارهای ارتقای زندگی کودک‌همسران مطرح شد. برای نیل به داده‌های عمیق‌تر، سوالات اکتشافی از قبیل بیشتر توضیح دهید، منظورتان را به صورت واضح‌تر ذکر کنید و غیر پرسیده شد. سطح سواد مصاحبه‌شوندگان در طرح سوال مدنظر قرار گرفت.

جهت طراحی سوالات، از اطلاعات پیشینه نظری و عملی پژوهش، تجربیات و دانش شخصی مصاحبه‌کننده به عنوان متخصص این حوزه و دیدگاه‌های اساتید و مشاورین بهره گرفته شد. برای ثبت مصاحبه‌ها، از نکته‌برداری و ضبط صدا به صورت همزمان استفاده شد و سعی بر این بود که بلافاصله بعد از اتمام هر مصاحبه، ثبت آن‌ها انجام و برای اطمینان از صحت انتقال اطلاعات، با مرور چند باره گفتگوها، تحلیل و بررسی دقیق‌تری نسبت به دیدگاه‌های طرح شده انجام شود. بعد از تنظیم داده‌ها، برای تجزیه و تحلیل آن‌ها، از سه نوع کدگذاری باز، محوری و انتخابی استفاده شد. در مرحله کدگذاری باز، براساس روش مرسوم در نظریه بنیادبخشی نظریه، به هر یک از اجزاء، عنوان و برچسبی داده شد. این عنوان، که اصطلاحاً به آن کد گفته می‌شود، باید گویای محتوای داده باشد، به طوری که محقق و خواننده، با مشاهده این عنوان و تیترو، تا حدود زیادی به مفهوم جملات پی ببرند. به همین دلیل محقق با مطالعه خط به خط متن مصاحبه‌ها، در مرحله کدگذاری باز، کدهای مناسبی به هر متن اختصاص داد.

جدول ۱: اطلاعات توصیفی شرکت‌کنندگان در مصاحبه

| کد | سن ازدواج | تعداد فرزند | سطح سواد شوهر | میزان تحصیلات کودک همسر | سن شرکت‌کنندگان | شغل | زمان مصاحبه به دقیقه |
|----|-----------|-------------|---------------|-------------------------|-----------------|---------------|----------------------|
| ۱ | ۱۴ | ۲ | دیپلم | اول راهنمایی | ۳۲ | خانه‌دار | ۴۳ |
| ۲ | ۱۳ | ۲ | سوم راهنمایی | دوم دبیرستان | ۲۸ | خانه‌دار | ۴۷ |
| ۳ | ۱۲ | ۲ | دیپلم | دوم راهنمایی | ۳۳ | فروشنده لباس | ۳۹ |
| ۴ | ۱۴ | ۳ | دیپلم | چهارم ابتدایی | ۳۸ | خانه‌دار | ۵۵ |
| ۵ | ۱۵ | ۱ | لیسانس | اول راهنمایی | ۲۰ | خانه‌دار | ۵۲ |
| ۶ | ۱۴ | - | لیسانس | دیپلم | ۱۹ | خانه‌دار | ۴۵ |
| ۷ | ۱۵ | ۳ | دیپلم | اول راهنمایی | ۲۳ | خانه‌دار | ۴۰ |
| ۸ | ۱۳ | ۲ | فوق دیپلم | دیپلم | ۳۱ | خانه‌دار | ۵۰ |
| ۹ | ۱۴ | ۱ | دیپلم | سیکل | ۲۲ | کارگاه تولیدی | ۴۵ |
| ۱۰ | ۱۴ | ۲ | سیکل | لیسانس | ۲۰ | معلم ابتدایی | ۴۶ |
| ۱۱ | ۱۳ | - | دیپلم | پنجم ابتدایی | ۱۹ | خانه‌دار | ۴۰ |
| ۱۲ | ۱۳ | ۲ | دیپلم | اول دبیرستان | ۲۶ | خانه‌دار | ۳۹ |
| ۱۳ | ۱۴ | ۱ | لیسانس | سیکل | ۳۸ | خانه‌دار | ۴۷ |
| ۱۴ | ۱۵ | ۲ | فوق لیسانس | لیسانس | ۳۵ | مغازه‌دار | ۵۰ |
| ۱۵ | ۱۲ | ۲ | دیپلم | دانشجو | ۳۳ | خانه‌دار | ۳۹ |
| ۱۶ | ۱۴ | ۳ | دیپلم | سیکل | ۲۲ | خانه‌دار | ۴۴ |
| ۱۷ | ۱۴ | ۲ | دیپلم | دوم راهنمایی | ۲۴ | کارگاه تولیدی | ۵۰ |

همزمان با کدگذاری باز، محقق یادداشت‌های تحلیلی را تهیه کرده و در آن، تحلیل‌ها، فکرها، تفسیرها، پرسش‌ها و جهت‌گیری‌های بعدی‌اش را در گردآوری داده‌ها، مشخص کرد. در این تحقیق پژوهشگر، کدگذاری باز داده‌ها و یادداشت‌های تحلیلی را همزمان با هم انجام داد. با توجه به نتایجی که از تحلیل یادداشت‌ها به دست می‌آمد، فرآیند پرسش و پاسخ‌ها در مصاحبه‌های بعدی مشخص شد. پس از کدگذاری باز، کدگذاری محوری انجام شد؛ در این مرحله، دسته‌بندی و مقایسهٔ عناوین استخراج شده از داده‌ها انجام گرفت. هدف از کدگذاری محوری این بود که فرآیند جمع‌آوری مجدد داده‌هایی را که در طول کدگذاری باز تکه تکه کرده بودیم را آغاز کنیم. در کدگذاری محوری، دسته‌ها به زیر مجموعه‌ها متصل شدند تا توضیحی دقیق‌تر و کامل‌تر از پدیده‌ها ارائه شود. در کدگذاری انتخابی، محقق به مفهوم‌سازی و دسته‌بندی داده‌ها پرداخت و با تشکیل خوشه‌های طبقه‌بندی شده و به‌ویژه با کشف پدیده، به تدریج متوجه جزئیات یک نظریه شد و با تکمیل داده‌ها، در نهایت یک نظریه ترسیم شد. در این مرحله، پژوهشگر همزمان با کدگذاری محوری و دست‌یافتن به مقوله‌ها، به کدگذاری گزینشی پرداخت و مقولهٔ هسته‌ای / مرکزی را معرفی نمود.

مقولهٔ مرکزی که گاه آن را مقولهٔ هسته‌ای خوانده‌اند، نمایانگر مضمون اصلی پژوهش است. در این تحقیق، مقولهٔ مرکزی، توانمندسازی کودک همسران شناخته شد. در پژوهش حاضر، برای ارزیابی اعتماد و پایداری داده‌ها، از شیوهٔ پیشنهادی لینکلن و گوبا یعنی چهار معیار مقبولیت، همسانی، تعین و انتقال‌پذیری استفاده شد. جهت بررسی قابلیت اعتبار یا مقبولیت داده‌ها، مبانی نظری، پیشینهٔ تحقیق، اهداف تحقیق و منابع مورد نظر انتخاب و تایید شدند و پیوسته تعامل رفت و برگشتی بین داده‌ها و تحلیل از سوی پژوهشگر و گروه خبرگان که از دانش کافی دربارهٔ ابعاد موضوع پژوهش برخوردار بودند، طی چند ماه انجام شد. جهت افزایش قابلیت اعتبار داده‌ها، روش‌های ذیل مورد استفاده قرار گرفت؛ استفاده از روش‌های مختلف برای جمع‌آوری داده‌ها مانند مصاحبه و بررسی متون، ارائه بازخورد در حین و بعد از مصاحبه‌ها با مصاحبه‌شوندگان در جهت ارائه نقد و تصحیح اظهاراتشان و استفادهٔ همزمان از دو کدگذار برای کدگذاری بهتر. برای اطمینان از انتقال‌پذیری یافته‌ها، با دو متخصص در حوزهٔ روان‌شناسی و مشاوره مشورت شد. به‌منظور افزایش قابلیت اطمینان، تمام مراحل پژوهش و یادداشت‌های حاصل از مطالعهٔ اسناد مربوطه ثبت و ضبط شد. جزئیات کافی در مورد چگونگی انجام مصاحبه، ضبط و پیاده‌سازی آنها و استفاده از نقل قول‌های مکرر در فرآیند تحلیل داده‌ها ارائه و نمونه جدول کدگذاری درج شد. جهت فراهم نمودن تعین یا قابلیت تأیید داده‌ها، علاوه بر ثبت و ضبط دقیق جزئیات در تمامی مراحل، انسجام درونی نتایج نیز سنجیده شد؛ به این صورت که فرآیند پژوهش به صورت مرحله به مرحله و روند دسته‌بندی و کاهش داده‌ها نشان داده شد.

برای ارزیابی پایایی پژوهش حاضر، روش پایایی بازآزمون و توافق درون‌موضوعی برای مصاحبه‌های انجام گرفته، استفاده شد و از میان مصاحبه‌های صورت گرفته، چند مصاحبهٔ نمونه انتخاب شد و کدهای مشخص شده در دو فاصلهٔ زمانی باهم مقایسه شدند. بدین صورت که

کدهایی که در دو فاصله زمانی، همگن و مشابه بودند به عنوان توافق و کدهای غیرهمگن و غیرمشابه به عنوان کدهای غیرتوافق مشخص شدند. در این روش تعداد سه مصاحبه به عنوان نمونه انتخاب شد و با فاصله دو هفته کدگذاری مجدد انجام شد و میزان پایایی بازآزمون ۸۷٪ به دست آمد که نشان داد پایایی نتایج حاصل از کدگذاری مصاحبه‌ها در سطح بالایی است. مصاحبه شوندگان با رضایت کامل در پژوهش شرکت کردند و درخصوص محرمانه بودن اطلاعات و آزاد بودن برای خروج از پژوهش، اطلاعات کافی در اختیار آنها قرار داده شد.

یافته‌ها

نتایج حاصل از کدگذاری باز، محوری و انتخابی در جدول شماره ۲ ارائه شده است.

جدول ۲: نتایج حاصل از کدگذاری باز، محوری و انتخابی

| نمونه‌ای از کدهای باز | مقوله‌های فرعی | مقوله اصلی | کدگذاری محوری |
|---|--|------------------------------------|----------------|
| | | | پدیده محوری |
| | | توانمندسازی کودک همسران | |
| ازدواج برای آرامش خود، ازدواج عامل رضایت والدین، همسرگزینی، زندگی شاد، رفاه اجتماعی، شادکامی با ازدواج | ۱-دانش ناکافی از ازدواج ۲-انتظارات غیر واقع‌بینانه از ازدواج ۳-دانش همسرگزینی ۴-تصویر نادرست از زندگی | دانش نظری | |
| زورگوئی، تصمیم‌گیرنده، بددهنی پدر، الفاظ رکیک، اختیار سلب‌شده، رهاشدن، بچه سرراهی، سرکوبگری، سخت‌گیری | ۱-اقتدار والدین ۲-تصمیم‌گیری والدین ۳-تحقیر والدین ۴-عدم حمایت والدین ۵-خشونت و عدم محبت والدین | ویژگی‌های رفتاری والدین | عوامل علی |
| طلاق مادر، مادر تنها، خشونت خانوادگی، تعداد فرزندان، جمعیت خانواده شوهر، اجبار در ازدواج، اجبار ضمنی، قهر، زندگی سرد و بی روح، زد و خورد والدین | ۱-طلاق والدین ۲-مشاجرات خانوادگی ۳-اجبار خانواده ۴-جمعیت خانواده ۵-روابط عاطفی والدین در خانه | خانواده | |
| چشم و هم‌چشمی، مادر نگران، صمیمیت همسایگان، فرزندان زیاد، دختر زیاد، دختر سربار | ۱-محیط روستائی ۲-فرهنگ روستائی ۳-جمعیت فرزندان | ویژگی‌های جمعیت شناختی و جغرافیائی | |
| پدر بیکار، درآمد ناکافی، هزینه‌های تحصیلی، درآمد غیر مستمر، کارگری، سنت اسلامی، آموزه‌های دینی، سنت پیامبر | ۱-اقتصاد ضعیف ۲-نگرش‌های سنتی | شرایط اقتصادی و اجتماعی | |
| کمبود شوهر، امتناع پسران، دلهره مادر، پیردختر شدن، زیبایی دختر در ازدواج زود هنگام | ۱-نگاه اجتماعی ۲-ترس از ازدواج دیرهنگام | شرایط فرهنگی | عوامل زمینه‌ای |
| عادات ماهانه، ساختار بدنی، ناتوانی جنسی، عدم دانش ارتباط جنسی، ضعف جسمی، رفتار کودکانه، برچسب رفتار نپخته، تعامل نامطلوب | ۱-بلوغ جسمی ۲-بلوغ ذهنی ۳-بلوغ اجتماعی | عدم بلوغ | |
| بی اختیار، طفیلی بودن، بچه ننه، دهن بین، وابسته به مادر | ۱-استقلال فکری ۲-استقلال عاطفی و روان‌شناختی | عدم استقلال | |

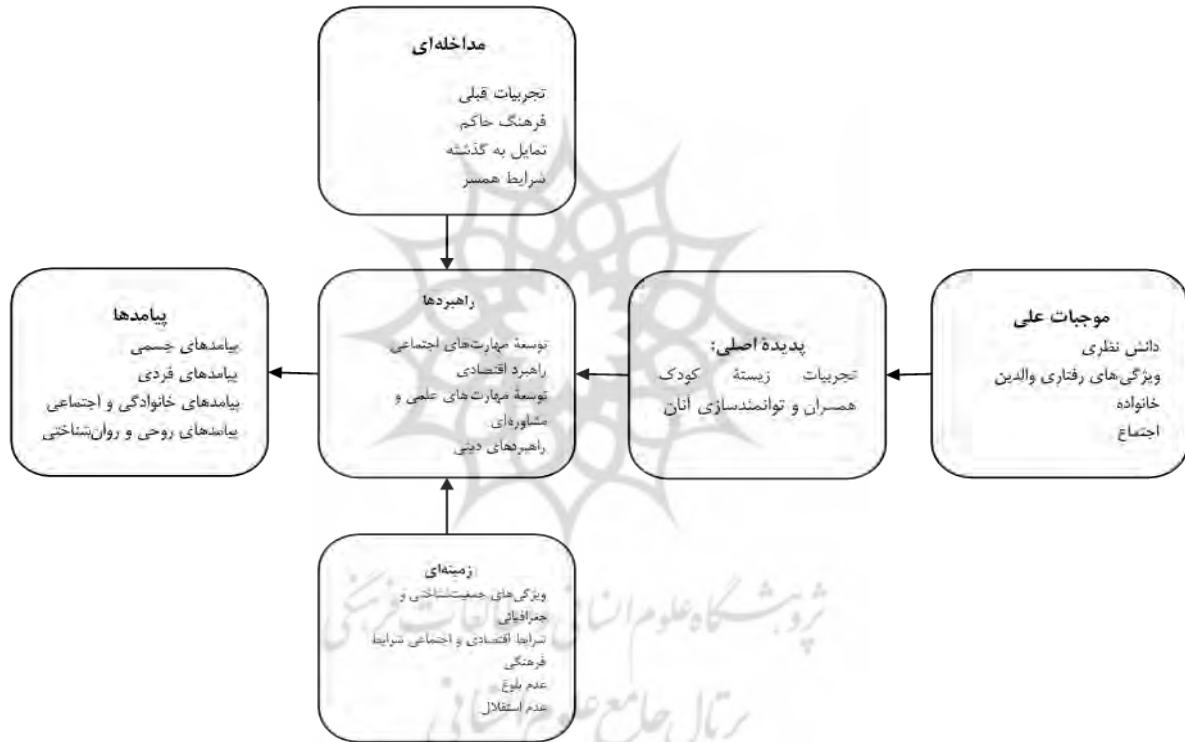
ادامه جدول ۲: نتایج حاصل از کدگذاری باز، محوری و انتخابی

| نمونه‌ای از کدهای باز | مقوله‌های فرعی | مقوله اصلی | کدگذاری محوری |
|--|--|----------------------------------|--------------------|
| طلاق مادر، طلاق هم‌کلاسی، طلاق هم‌بازی، وفور طلاق در فامیل، نامادری | ۱- ازدواج ناموفق والدین ۲- طلاق همسالان | تجربیات قبلی | عوامل مداخله‌ای |
| دوره طلالی، آمال بر باد رفته، عروسک‌بازی، گردش با همسالان، آزادی و اختیار در مجردی، سر به سر گذاشتن | ۱- تفریحات دوره مجردی ۲- فقدان‌ها و محرومیت‌های گذشته | تمایل به گذشته | |
| مزاحمت‌های اجتماعی، وابستگی زن، طفیلی، ضعیفه، سنت پیامبر، ازدواج به عنوان راهی برای کاهش گناه، فرهنگ روستائی، غیرت دینی، برادران و پدر غیرتی | ۱- جغرافیای فرهنگ ۲- سنت‌های نادرست ۳- غیرت ناصواب | فرهنگ حاکم | |
| بیکاری، شوهر شاغل، درآمد پایدار، کارگر فصلی، امنیت اقتصادی، شوهر همانند کوه، اخراج از محیط کار، همدلی شوهر | ۱- عدم ثبات شغلی همسر ۲- حمایت‌گری شوهر | شرایط موجود همسر | پیامدها |
| زایمان دردناک، سقط جنین، خستگی جسمی، خونریزی | ۱- آسیب‌های جسمی | پیامدهای جسمی | |
| فکر خیانت، رابطه با پسرهای فامیل، تماس‌های تصویری با دوست پسر، عدم علاقه به شوهر، تحویل نگرفن همسر، فکر طلاق و ازدواج مجدد | ۱- خیانت زناشویی ۲- طلاق عاطفی ۳- بی‌اعتنائی به شوهر | پیامدهای خانوادگی و اجتماعی | |
| تکیه‌گاه زندگی، پدر حامی، دلهره زایمان، دلهره تربیت فرزندان، ناراضایتی از زندگی، ناراضایتی از شوهر، زن بدبخت، ناتوانی در زندگی | ۱- عدم رضایت زناشویی ۲- احساس بدبختی ۳- دلهره و اضطراب ۴- احساس تنهایی ۵- افسردگی ۶- درماندگی | پیامدهای روحی و روان‌شناختی | راهنم‌ها |
| حرفه‌آموزی، آموزش‌های اقتصادی، مدیریت اقتصاد خانه، بیمه کودک همسران، اشتغال، استقلال مالی کودک همسران | ۱- توانمندسازی اقتصادی ۲- حمایت‌های اقتصادی | راهبردهای اقتصادی | |
| تعامل مطلوب با جامعه، تعامل مطلوب با خانواده شوهر، تفکر و مهارت مشارکت اجتماعی، مهارت‌های خانه‌داری، مهمان‌نوازی | ۱- تعامل اجتماعی ۲- مهارت‌های زندگی | توسعه مهارت‌های اجتماعی | |
| بهداشت فردی، بهداشت جنسی، مقاربت، کنترل خشم، هیجان، کنترل و حل تعارضات، روابط عاطفی، آموزش‌های دوره نامزدی، مراقبت‌های بهداشتی | ۱- مشاوره‌های جنسی ۲- مشاوره‌های بهداشتی ۳- مشاوره‌های خانوادگی | توسعه مهارت‌های علمی و مشاوره‌ای | راهنم‌ها |
| استعانت، توکل به خدا، صبر، شکرگزاری، تحمل | ۱- تقویت باورهای درونی ۲- معنویت‌گرایی | راهبردهای دینی | |

کدگذاری انتخابی

کدگذاری انتخابی؛ یافته‌های مراحل کدگذاری قبلی را گرفته، مقوله محوری را انتخاب کرده، به شکلی نظام‌مند آن را به دیگر مقوله‌ها ربط می‌دهد، روابط میان مقوله‌ها را اثبات می‌کند و آن‌هایی که به بهبود و توسعه نیاز دارند، تکمیل می‌نماید. بنابراین مقوله محوری، بخش بسیار مهمی از یکپارچه‌سازی و بهبود مقوله‌ها است (Danaeifard & Emami, 2007). در طی فرآیند کدگذاری انتخابی و فرآیند یکپارچه‌سازی برای یکسان‌سازی و اصلاح نظریه، متن مصاحبه‌ها چندین بار مورد بررسی قرار گرفت و پس از تعیین مقوله مرکزی (پدیده مرکزی)، برای نزدیکتر کردن مقولات، عبارات و ایده‌هایی که وجود داشت، استفاده شد و روابط بین دسته‌های اصلی و فرعی در نظر گرفته شد. بر همین اساس، روابط بین مقوله‌های اصلی و مدل پارادایمی توانمندسازی کودک همسران شکل گرفت. نهایتاً مقوله‌های آشکار شده در قالب ابعاد ۶ گانه مدل پارادایمی، با روابطی که بین آن‌ها وجود دارد، به صورت عوامل علی (۴ مقوله)، مقوله محوری (توانمندسازی کودک همسران)، راهبردها (۴ مقوله)، عوامل زمینه‌ای (۵ مقوله)، عوامل مداخله‌ای (۴ مقوله) و پیامد (۴ مقوله)، جای گرفتند. پژوهشگران بعد از انجام کدگذاری انتخابی، مدل پارادایمی توانمندسازی کودک همسران را ارائه نمودند. مدل پارادایمی توانمندسازی کودک همسران در نمودار شماره ۱ ارائه شده است.

نمودار ۱: مدل پارادایمی توانمندسازی کودک همسران



بحث

با وجود افزایش سن ازدواج در جوامع و عدم تمایل به ازدواج در بین اکثر جوانان، کودک‌همسری و ازدواج زودهنگام معضل اساسی برخی از مناطق و جوامع شده است. در باب ازدواج زودهنگام و کودک‌همسری تشتت آراء فراوانی وجود دارد و برخی با بهره‌گیری از آموزه‌های دینی و تفسیرهای دینی در حمایت از این نوع ازدواج نظریه‌پردازی می‌کنند و برخی دیگر نیز این نوع ازدواج را نوعی خشونت علیه کودکان می‌دانند و معتقدند این نوع ازدواج با حقوق کودکان مغایر است و می‌تواند فرصت‌های رشد و تکامل را از آنان سلب نماید، انتخاب‌های زندگی آنان را محدود کند و سلامت آنان را به خطر بیندازد. بدون شک یکی از مهم‌ترین عوامل تعیین‌کننده کیفیت زندگی زناشویی، سن ازدواج است. تحقیقات نشان می‌دهد که ازدواج در سنین پایین بیشتر به طلاق منجر می‌شود. از سوی دیگر، برخی از دانشمندان معتقدند ازدواج مانند رشد انسان است، اگر به تأخیر بیفتد، مانند انسان در دوران پیری، ضعف‌هایی را به همراه خواهد داشت که کیفیت زندگی زناشویی را مختل می‌کند. هدف پژوهش حاضر، طراحی الگوی توانمندسازی کودک همسران بود که از طریق مصاحبه با کودک همسران و تحلیل به روش

بنیادبخشی نظریه و با استفاده از کدگذاری باز، محوری و انتخابی، عناصر اصلی این الگو مشخص و طراحی شد. بررسی دیدگاه و تجارب زیسته کودک همسران نشان داد که کودک همسران رضایت چندانی از زندگی خود ندارند و آن را یک واقعه تلخ قلمداد می‌کنند و این امر به نوعی در بیانات اکثر شرکت‌کنندگان در مصاحبه قابل مشاهده بود. تشبیهات بکار رفته توسط شرکت‌کنندگان و توصیفات آنان از زندگی (اختیار سلب شده، کودک رها شده، زندگی در آتش و غیره) که در کدهای باز قابل مشاهده است نشان می‌دهد که اکثر کسانی که ازدواج زود هنگام داشته و به اصطلاح کودک همسر بوده‌اند، توصیف خوبی از زندگی خود ندارند.

الگوی طراحی شده برای توانمندسازی کودک همسران نشان داد که دانش نظری و فقدان آن، ویژگی‌های رفتاری والدین، خانواده و اجتماع از عوامل علی این الگو هستند. در باب دانش نظری و فقدان آن در کودک همسران، برخی از مشارکت‌کنندگان به این امر اشاره داشتند که از دانش کافی در خصوص ازدواج و زندگی زناشویی برخوردار نبوده‌اند و بدون برخورداری از دانش، دست به ازدواج زده‌اند و حتی انتظارات غیر واقع بینانه از ازدواج داشته‌اند به طوری که ازدواج را به عنوان آرام‌بخش زندگی خود و حتی خانواده خود تلقی می‌کردند. آن‌ها بر این عقیده بودند که ازدواج آن‌ها سبب آرامش خانواده و رفع دغدغه آن‌ها خواهد شد. برخی از مشارکت‌کنندگان به این امر اشاره داشتند که همسرگزینی یک امر پیچیده است و نیاز به دانش و کسب تجربه دارد و ازدواج با اولین گزینه می‌تواند، پیامدهای نامطلوبی را بدنبال داشته باشد. یافته‌های این بخش از پژوهش با یافته‌های پژوهش (Imanzadeh & Alipor (2016) و Sezgin & Punamaki (2020) همسوست. از دیگر عوامل علی کودک همسری استخراج شده از مصاحبه‌ها، ویژگی‌های رفتاری والدین است. اقتدار بی‌مورد والدین، تصمیم‌گیری نادرست والدین برای کودکان، تحقیر والدین، عدم حمایت والدین و خشونت و عدم محبت والدین از جمله عوامل علی اقدام به کودک همسری است. معمولاً دختران به علت نداشتن رابطه عاطفی مناسب و همچنین ترس از والدین، به انتخاب و نظر آن‌ها اعتراضی نمی‌کنند و حتی اگر مخالفتی داشته باشند نیز به دلیل ترس از عواقب آن، از اظهار نظر خودداری می‌کنند. Chappell et al. (2014) در پژوهشی، اقتدارگرایی والدین را اصلی‌ترین عامل گرایش به کودک همسری و کودک شوهری عنوان می‌کنند؛ همچنین بیان می‌کنند این گرایش در دختران، بیشتر از پسران است. یافته‌های پژوهش حاضر با یافته‌های پژوهش‌های Imanzadeh & Alipor (2016)، Vikram (2021)، Scott et al. (2021) و Chappell et al. (2014) و Cohen & Strong (2020) همسوئی دارد. یافته‌های پژوهش حاضر هم نشان می‌دهد که رفتار والدین با کودکان در خانه، بر گرایش آنان به کودک همسری، تاثیر زیادی دارد. پژوهش Arimitsu & Hofmann (2015) هم نشان می‌دهد که یکی از دلایل کودک همسری، تصمیم‌گیری والدین از طرف کودکان است.

خانواده و شرایط آن، از دیگر عوامل علی کودک همسری، است. شرایط و جو خانواده، نقش مهمی در گرایش به ازدواج زود هنگام دختران دارد. در خانواده‌هایی که والدین از هم طلاق گرفته‌اند و یا رابطه عاطفی بین والدین در خانه خدشه‌دار است، عمدتاً گرایش دختران به ازدواج زود هنگام زیاد است. مشاجرات خانوادگی هم یکی دیگر از عوامل گرایش به کودک همسری است و کودکان در واقع با ازدواج، سعی در رهایی از این شرایط نامطلوب دارند. همانطور که در بیانات کودک همسران هم بیان شد، جمعیت خانواده هم یکی دیگر از عوامل کودک همسری است. یافته‌های پژوهش حاضر با یافته‌های (Sezgin & Punamaki (2020)، Arimitsu & Hofmann (2015) و Chappell et al. (2014) همسوئی کامل دارد.

از دیگر عوامل علی کودک همسری یافت شده از مصاحبه‌ها، اجتماع و شرایط اجتماعی است. جبر اجتماعی، برچسب‌های اجتماعی و ازدواج همسالان از فاکتورهای علی اجتماعی به حساب می‌آیند. ازدواج زود هنگام همسالان، نگرش همسالان به ازدواج دیر هنگام، برچسب‌هایی نظیر پیردختری، دختر ترشیده، دخالت اطرافیان، تحریک اطرافیان، طعنه‌های اجتماعی، نقش اساسی در گرایش به کودک همسری ایفا می‌کنند. همسو با یافته‌های پژوهش حاضر، (Abera et al. (2020)، Sezgin & Imanzadeh & Alipor (2016)، Punamaki (2020)، Vikram (2021) و Scott et al. (2021) جو اجتماعی را از علل گرایش به کودک همسری عنوان می‌کنند.

یکی دیگر از ابعاد الگوی کودک همسری، عوامل زمینه‌ای است. در الگوی طراحی شده مطابق بیانات شرکت‌کنندگان، ویژگی‌های جمعیت‌شناختی و جغرافیایی، شرایط اقتصادی و اجتماعی، شرایط فرهنگی، عدم بلوغ و عدم استقلال به عنوان عوامل زمینه‌ای نقش آفرینی کرده‌اند. ویژگی‌های جمعیت‌شناختی و جغرافیایی از عوامل زمینه‌ای کودک همسری است. کودک همسری در محیط‌های روستایی نسبت به محیط‌های شهری از رواج بیشتری برخوردار است و فرهنگ سنتی حاکم بر محیط‌های روستایی در رواج کودک همسری نقش ایفا می‌کند. با توجه به اینکه اکثر خانواده‌های روستایی پرجمعیت هستند، شاید این امر در گرایش به ازدواج زود هنگام و کودک همسری نقش ایفا کند. یکی دیگر از عوامل زمینه‌ای، شرایط اقتصادی و اجتماعی است. یکی از عوامل تاثیرگذار بر ازدواج کودک همسری، وضع مالی و وضعیت نامطلوب اقتصادی خانواده زوجین است. بیکاری، درآمد ناکافی سرپرست خانواده، هزینه‌های تحصیلی فرزندان و درآمدهای غیر مستمر و

بی‌ثبات سرپرست خانواده می‌تواند، در گرایش به کودک همسری نقش ایفا کند. این کودکان به دلیل شرایط رشدشان از استقلال فکری، عاطفی و روان‌شناختی منسجمی برخوردار نیستند، عمدتاً به خانواده وابسته هستند و این امر در کیفیت زندگی کودک همسران نقش ایفا می‌کند. یافته‌های این بخش از پژوهش حاضر هم راستا با یافته‌های (Rauer & Volling, Rahayu & Wahyuni (2020) (2013)، (Vikram (2021) و Abera et al. (2020) می‌باشد.

یکی از ابعاد الگوی طراحی شده بر اساس بیانات مصاحبه‌شوندگان راهبردهاست؛ از الگوی مذکور راهبردهای اقتصادی، توسعه مهارت‌های اجتماعی، توسعه مهارت‌های علمی و مشاوره‌ای و راهبردهای دینی استنتاج شد. در راهبرد اقتصادی، توانمندسازی اقتصادی و حمایت‌های اقتصادی را می‌توان مدنظر قرار داد. می‌توان از طریق حرفه‌آموزی برای کودک همسران و همسران‌شان، آموزش‌های اقتصادی مانند مدیریت اقتصاد خانه و امثال آن، حمایت اقتصادی نظیر بیمه کردن کودک همسران و خانواده آن‌ها، ایجاد فرصت‌های اشتغال برای آن‌ها و کمک به استقلال مالی کودک همسران در راستای توانمندسازی کودک همسران اقدام کرد.

یکی دیگر از راهبردها، توسعه مهارت‌های اجتماعی است که می‌تواند در تعامل مطلوب آن‌ها و در نهایت رضایت زناشویی آنان موثر باشد. باید به کودک همسران در تعامل اجتماعی مطلوب کمک کرد. باید آموزش‌هایی را برای توانمندی آنان در تعامل مطلوب با جامعه، تعامل مطلوب با همسالان و با خانواده شوهر و روحیه فعالیت جمعی و مهارت مشارکت اجتماعی ارائه داد. می‌توان با آموزش مهارت‌های زندگی نظیر مهارت‌های خانه‌داری و مهمان‌نوازی، نسبت به توانمندی کودک همسران اقدام کرد. از طریق توسعه مهارت‌های علمی و مشاوره‌ای نظیر مشاوره‌های جنسی، مشاوره‌های بهداشتی و مشاوره‌های خانوادگی در توسعه بهداشت فردی، بهداشت جنسی، مقاربت، کنترل خشم، هیجان، کنترل و حل تعارضات، روابط عاطفی، آموزش‌های دوره نامزدی، مراقبت‌های بهداشتی کودک همسران اقدام کرد.

رویکرد دیگری که برای توسعه توانمندی کودک همسران می‌توان از آن بهره گرفت، رویکردهای دینی است. می‌توان با استفاده از روش‌های تقویت باورهای درونی و معنویت‌گرایی نظیر استعانت، توکل به خدا، صبر، شکرگزاری و تحلم، به توانمندی دینی و درونی کودک همسران اقدام کرد. یافته‌های این بخش از پژوهش با یافته‌های پژوهش‌های (Imanzadeh & Abera et al. (2020) (2016) Alipor (2016)، (Sezgin & Punamaki (2020)، (Vikram (2021)، (Rauer, Rahayu & Wahyuni (2020)، (Scott et al. (2021) و Chappell et al. (2014) همسوست.

آخرین بعد از ابعاد الگوی طراحی شده بر اساس بیانات مصاحبه‌شوندگان، پیامدهای کودک همسری است. این پیامدها در قالب پیامدهای جسمی، خانوادگی و اجتماعی، روحی و روان‌شناختی و فردی شناسایی شدند. یکی از پیامدهای جسمی کودک همسری، فقدان سلامت جسمی و آسیب‌های جسمی کودک همسری است. اکثر مصاحبه‌شوندگان و کودک همسران به این امر اشاره داشتند که کودک همسران با آسیب‌های جسمی متعددی از زایمان دردناک و سقط جنین گرفته تا خونریزی‌های خطرناک روبرو هستند. کودک همسران این پیامدها را در ابعاد عدم رضایت زناشویی، احساس بدبختی، دلهره و اضطراب، احساس تنهایی، افسردگی و درماندگی عنوان کرده‌اند. کودک همسران رضایت زناشویی پایینی دارند. رضایت زناشویی، یعنی انطباق بین انتظاراتی که فرد از زندگی زناشویی دارد و آن چه در زندگی خود تجربه می‌کند. در واقع هر چقدر این شکاف بیشتر باشد احساس رضایت زناشویی کمتر است (Chen & Hu, 2021). رضایت زناشویی در واقع، یکی از مهم‌ترین شاخص‌های رضایت از زندگی است (Park & Kang, 2021). رضایت زناشویی یکی از عوامل تعیین‌کننده در پیش‌بینی میزان صمیمیت یک رابطه عاشقانه و ماندگاری آن، یا میزان درگیری زوجین و پایان یک رابطه است. در واقع زوج‌هایی که احساس رضایت از زندگی زناشویی خود دارند، در روابط خود ثبات بیشتری داشته و برای حل کردن مشکلات و تعارض‌های زندگی مشترک خود بیشتر از دیگران، تلاش می‌کنند. پژوهش‌های (Imanzadeh & Alipor (2016)، (Vikram (2021) و Abera et al. (2020) نیز بر پیامدهای جسمی، روحی - روانی و اجتماعی ازدواج کودک همسران اشاره دارند. یافته‌های این بخش از پژوهش با یافته‌های پژوهش (Imanzadeh & Alipor, (2016) و (Scott et al. (2021) همسوئی دارد. (Imanzadeh & Alipor (2016) در پژوهش خود از تجربه زیسته زنان مردن به پیامدهای فردی، آموزشی و فرهنگی، جسمی و روانی اجتماعی کودک همسری اشاره می‌کنند.

نتیجه‌گیری

یافته‌های پژوهش به این امر اشاره داشتند که پیامدهای کودک همسری برای کودک همسران متعدد و متنوع است. با توجه به اینکه توانمندسازی کودک همسران می‌تواند بر رضایت زناشویی، شادکامی و خودشفقت‌ورزی کودک همسران تاثیر مثبت داشته باشد، می‌توان از آموزش مهارت‌های زندگی، تنظیم هیجان و عواطف، مهارت‌های ارتباطی و مهارت‌های دیگر قبل از ازدواج و بعد از ازدواج جهت توانمندسازی زوجین بهره گرفت. توانمندسازی کودک همسران و آموزش مهارت‌های لازم، می‌تواند بسیاری از چالش‌های اساسی که کودک همسران با آن مواجه هستند را برطرف کرده و رضایت زناشویی کودک همسران را افزایش دهد.

محدودیت‌ها

پژوهش حاضر دارای محدودیت‌هایی به شرح ذیل بوده است؛ با توجه به اینکه در پژوهش‌های کیفی ملاک تعیین نمونه، اشباع داده‌هاست، علیرغم عمیق بودن اطلاعات، نمونه مورد بررسی، نمونه قابل تعمیم به جامعه نیست. نمونه مصاحبه‌شوندگان هم یکی دیگر از محدودیت‌های پژوهش بود. فقط از کودک همسران مصاحبه به عمل آمد؛ اگر در بررسی تجربیات کودک همسران از تجربیات شوهران، والدین کودک همسران هم بهره گرفته می‌شد، بررسی ابعاد کودک همسری عمق بیشتری به خود می‌گرفت.

پژوهش‌های آینده

با توجه به اینکه این پژوهش در باب کودک همسران صورت گرفته است و کودک شوهری هم در برخی از مناطق ایران رواج دارد، می‌توان به بررسی تجربیات زیسته کودک شوهران و توانمندسازی آن‌ها اقدام کرد. پژوهش حاضر به روش بنیادبخشی نظریه انجام گرفته است؛ می‌توان از رویکردهای دیگر مثل پدیدارشناسی و یا رویکردهای آمیخته برای بررسی ابعاد دیگری از زندگی کودک همسران بهره گرفت.

تعارض منافع

نویسندگان مقاله هیچگونه تعارض منافی را گزارش نکرده‌اند.

References

- Abera, M., Nega, A., Tefera, Y., & Gelagay, A. A. (2020). Early marriage and women's empowerment: the case of child-brides in amhara national regional state, ethiopia. *BMC international health and human rights*, 20(1), 1-16. <https://doi.org/10.1186/s12914-020-00249-5>
- Ahmadi, V., & Rezaei, A. (2014). Studying the progress of marriage in the provinces of the country during the years 1385 to 1390. *Jamiat Quarterly*, 22(93 & 94), 81-94. magiran.com/p1811772
- Anggreni, D., Notobroto, H. B., & Soedirham, O. (2023). Determinant factors of early marriage in developing countries: a literature review. *Journal of Public Health in Africa*, 33(4), 462-472. <https://doi.org/10.4081/jphia.2023.2543>
- Arimitsu, K., & Hofmann, S. G. (2015). Cognitions as mediators in the relationship between self-compassion and affect. *Personality and individual differences*, 74, 41-48. <https://doi.org/10.1016/j.paid.2014.10.008>
- Bhattarai, P. C., Paudel, D. R., Poudel, T., Gautam, S., Paudel, P. K., Shrestha, M., Ginting, J., & Ghimire, D. R. (2022). Prevalence of early marriage and its underlying causes in Nepal: a mixed methods study. *Social Sciences*, 11(4), 177. <https://doi.org/10.3390/socsci11040177>
- Bunting, A. (2005). Stages of development: marriage of girls and teens as an international human rights issue. *Social & Legal Studies*, 14(1), 17-38. <http://dx.doi.org/10.1177/0964663905049524>
- Chappell, N. L., Dujela, C., & Smith, A. (2014). Spouse and adult child differences in caregiving burden. *Canadian Journal on Aging/La Revue canadienne du vieillissement*, 33(4), 462-472. <https://doi.org/10.1017/S0714980814000336>
- Chauhan, S., & Sekher, T. V. (2023). Early marriage and marital satisfaction among young married men in rural Uttar Pradesh, India. *BMC Research Notes*, 16(1), 6. <https://doi.org/10.1186/s13104-023-06271-9>
- Chen, Y., & Hu, D. (2021). Gender norms and marriage satisfaction: Evidence from China. *China Economic Review*, 68, 101627. <https://doi.org/10.1016/j.chieco.2021.101627>
- Clark, S. (2004). Early marriage and HIV risks in sub Saharan Africa. *Studies in family planning*, 35(3), 149-160. <https://doi.org/10.1111/j.1728-4465.2004.00019.x>
- Cohen, T. F., & Strong, B. (2020). *The marriage and family experience: Intimate relationships in a changing society*. Cengage learning. <https://www.amazon.com/Marriage>
- Danaeifard, H., & Emami, M. (2007). Strategies of qualitative research: a reflection on grounded theory. *Strategic Management Thought*, 1(2), 69-97. <https://dori.net/dor/20.1001.1.23830891.1386.1.2.3.2>
- Ernawati, H., Mas'udah, A. F., Setiawan, F., & Isroin, L. (2021). The Factors That Cause Early Marriage and the Impact on the Psychology of Couples in Rural Areas. *In 3rd Borobudur*

- International Symposium on Humanities and Social Science*, 190-194. https://doi.org/10.2991/978-2-494069-49-7_33
- Gage, A. J. (2013). Child marriage prevention in Amhara region, Ethiopia: association of communication exposure and social influence with parents/guardians' knowledge and attitudes. *Social Science & Medicine*, 97, 124-133. <https://doi.org/10.1016/j.socscimed.2013.08.017>
- Nishat, J. F., Shovo, T. E., Ahammed, B., Islam, M. A., Rahman, M. M., & Hossain, M. T. (2023). Mental health status of early married girls during the covid-19 pandemic: A study in the southwestern region of Bangladesh. *Frontiers in psychiatry*, 13, 2809. <https://doi.org/10.3389/fpsy.2022.1074208>
- Park, G. J., & Kang, S. G. (2019). The effect of Double-income couples' marriage satisfaction. *Journal of the Korea Convergence Society*, 10(4), 247-255. <https://doi.org/10.15207/JKCS.2019.10.4.247>
- Rahayu, W. D., & Wahyuni, H. (2020). The influence of early marriage on monetary poverty in indonesia. *Journal of Indonesian Economy and Business*, 35(1). <https://doi.org/10.22146/jieb.42405>
- Rauer, A., & Volling, B. (2013). More than one way to be happy: A typology of marital happiness. *Family Process*, 52(3), 519-534. <https://doi.org/10.1111/famp.12028>
- Scott, S., Nguyen, P. H., Neupane, S., Pramanik, P., Nanda, P., Bhutta, Z. A., Afsana, K., & Menon, P. (2021). Early marriage and early childbearing in South Asia: trends, inequalities, and drivers from 2005 to 2018. *Annals of the New York Academy of Sciences*, 1491(1), 60-73. <https://doi.org/10.1111/nyas.14531>
- Sezgin, A. U., & Punamaki, R. L. (2019). Impacts of early marriage and adolescent pregnancy on mental and somatic health: the role of partner violence. *Archives of women's mental health*, 23(2), 155-166. <https://doi.org/10.1007/s00737-019-00960-w>
- Susilawati, S., & Yuliwati, N. (2023). analysis of early marriage and other factors on stunting incidence in the work area of prabugantungan puskesmas lebak district. *International Journal Of Health Science*, 3(1), 96-103. <https://doi.org/10.55606/ijhs.v3i1.1211>
- Takeshita, J. Y., & Freedman, R. (1969). *Family planning in Taiwan: An experiment in social change* (Vol. 2186). Princeton University Press. <https://doi.org/10.1515/9781400877416>
- UNICEF. (2005). *Early marriage a harmful traditional practice a statistical exploration 2005*. Unicef.
- Vikram, K. (2021). Early marriage and health among women at midlife: Evidence from India. *Journal of Marriage and Family*, 83(5), 1480-1501. <https://doi.org/10.1111/jomf.12793>
- Zahl-Olsen, R. (2023). Understanding divorce trends and risks: the case of Norway 1886–2018. *Journal of Family History*, 48(1), 60-80. <https://doi.org/10.1177/03631990221077008>